



تجسس و تحلیل آیات فقهی و اخلاقی آن

پدیدآورنده (ها) : واعظی، سیدحسین؛ همتی فارسانی، تورج

علوم قرآن و حدیث :: نشریه قرآنی کوثر :: بهار ۱۳۹۵ - شماره ۵۷

صفحات : از ۱۶۱ تا ۱۸۲

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1318205>

تاریخ دانلود : ۱۴۰۴/۰۶/۰۱

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



- بررسی مفاهیم و جایگاه ادله و احکام تجسس در فقه و تقابل آن با حریم خصوصی افراد
- تبیین و بررسی فقهی تجسس در فعالیت‌های اطلاعاتی - امنیتی
- کاوشی در حکم فقهی تجسس
- بررسی فقهی حقوقی تجسس و موارد استثنایی آن
- بررسی حکم شرعی رفتار حکومت در جمع‌آوری اطلاعات از حوزه ی حریم خصوصی اشخاص
- الزام اخلاقی به پرهیز از تجسس (در امور دیگران) در قرآن و روایات
- ظن و تجسس از منظر قرآن و روایات
- بررسی قلمرو حکم اولیه جاسوسی و تجسس در اسلام
- بررسی فقهی تجسس در اسلام
- تجسس در حریم خصوصی مکانی اشخاص با رویکرد امنیت اخلاقی
- پژوهشی فقهی جزائی در تجسس و تفتیش عقاید
- حدود اختیارات دستگاه های اطلاعاتی در ورود به حریم خصوصی افراد از منظر فقه امامیه

عناوین مشابه

- تحلیل فقهی و اخلاقی ریسک تجاری و مقایسه آن با غرر با تاکید بر قواعد عام درآمدزایی مخاطره
- تحلیل معنا شناختی «توجه به علم خدا و آثار آن در رفتار انسان» از دیدگاه آیات و روایات
- تحلیل ماهیت قرارداد لیسانس در حقوق ایران و مصر و بیان مبانی فقهی آن
- تحلیل فقهی و حقوقی حکم وعده بیع اعضای بدن انسان و بیان چالشهای تجویز آن در مذاهب اسلامی
- بررسی مخاطرات اخلاقی هنگام احتکار و تحلیل آن توسط نظریه بازی‌ها
- بررسی فقهی حقوقی تجسس و موارد استثنایی آن
- بررسی فقهی صله رحم و تحلیل روان‌شناختی کارکردهای آن در آرامش روانی و تحکیم خانواده
- تحلیل قاعده فقهی «حرمت ولایت جائز» و مستثنیات آن در فقه شیعه
- تحلیل مبانی اخلاق و تربیت اخلاقی در دیدگاه ریچارد رورتی و نقد آن از منظر علامه طباطبائی (ره)
- تحلیل فلسفی پیشرفت و ارکان آن بر اساس آیات قرآن کریم

تجسس و تحلیل آیات فقهی و اخلاقی آن

دکتر سید حسین واعظی^۱

حجه الاسلام دکتر تورج همتی فارسانی^۲

چکیده:

تجسس یکی از مفاهیمی است که در حوزه‌های فقه و اخلاق کاربرد مهمی دارد. هدف از این تحقیق بیان محدوده تجسس براساس تفسیر آیه ۱۲ سوره مبارکه حجرات است که برای استفاده در مجالس قانونگذاری و آشنایی جامعه از این نهی فراموش شده تدوین شده است. روش تحقیق توصیفی تحلیلی با محوریت مطالعات کتابخانه‌ای بوده و نگارنده ضمن تحلیل و بررسی واژه تجسس در لغت، اصطلاح و عرف، به تبیین آن و برخی کلمات مترادف و مرتبط با آن مانند: حریم خصوصی پرداخته است. یافته‌های پژوهش حاکی است: بر اساس ادله‌ی اسلامی و مبانی اخلاقی تجسس در مذهب امامیه و اهل سنت ممنوع می‌باشد؛ البته ادله‌ی از عقل و سیره نیز مبنی بر جواز تجسس برای موضوعاتی اهم از آبرو و عرض مردم که با تجسس به خطر می‌افتد، مانند حفظ حاکمیت اسلام، وجود دارد. در تراحم ادله حفظ نظام با ادله حرمت تجسس و وجوب حفظ آبروی مردم، باید به قانون اهم عمل نمود.

کلید واژه: تجسس، تجسس، جاسوس، حریم خصوصی

۱- استادیار گروه الهیات دانشگاه آزاد اسلامی اصفهان (خوراسگان) ۰۹۱۳۳۱۸۸۷۹۲ ،

khuisf.ac.ir sh.vaezi@khuisf.ac.ir

۲- دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه اراک

۰۹۱۳۹۸۰۶۵۸۷ ، poya.hemmati59@yahoo.com

تاریخ پذیرش مقاله: بهمن ۹۴ تاریخ داوری: فروردین ۹۵ تاریخ نشر: خرداد ۹۵

مقدمه:

بازشناسی و کاوش در آیات الاحکام و همراه کردن آنها با عنصر زمان و نگرش به آنها از منظر مقتضیات زمانی و مکانی از ضروریات علم فقه و علم تفسیر و علم اخلاق به حساب می‌آید.

بحث از تجسس نیز پدیده‌ای نوظهور نیست، تجسس در قرآن کریم به صراحت نهی شده اما آنچه که اهمیت پرداختن به تجسس را ضروری می‌کند، شناخت محدوده و مصداقهای تجسس است. زیرا تغییر زمان و توسعه نیازمندیها به همراه پیشرفت تکنولوژی، ضرورتاً موضوعات بسیاری از احکام را در حوزه کارآمدی دست خوش تحول کرده است. این پژوهش بر آن است تا از منظری جدید در حین بهره‌برداری از منابع قرآن و سنت عملی و گفتاری معصومان علیهم‌السلام ماهیت فقهی و اخلاقی این حکم الهی را تبیین نماید.

معانی واژه‌ها:

الف) معانی لغوی:

اگر اصل کلمه «جس» باشد کلمه‌ای طبی است، یعنی لمس کردن رگ و شناسایی نبض به منظور حکم کردن به سلامتی یا بیماری. جست و جو کردن در درون امور و باطن آنها: (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۲۸۳)

جست و جو کردن از اخبار، دنبال خبر رفتن و نهان امور را کاویدن به نیت شر و فتنه (جوهری ۱۴۱۰ق، ج ۳، ص ۹۱۳) (شرتونی ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۱۲۳ و ۱۹۱) پیگیری از چیزی که بر تو پوشیده مانده است. (انصاری قرطبی، بیتا، ج ۱۶، ص ۳۳۳) پیگیری و فحص از خبر برای شخص دیگر. (ص ۳۳۳) بحث و کنجکاوی از زشتی‌ها. (محقق، بی تا، ج ۵، صص ۱۶۲-۱۶۷)

ب) معانی اصطلاحی:

معنای اصطلاحی تجسس در متون فقهی - روایی - تفسیری:

در کلام مفسران، این واژه به همان معنای لغوی اش معنا شده، چنانچه طباطبایی در

ذیل آیه ۱۲ سوره حجرات می‌گوید: تجسس عبارت است: «دنبال عیبهای پنهانی مردم رفتن و از رازهای آنها جهت آگاهی از امور ناپسند و پنهانی تفتیش نمودن». (طباطبایی، ۱۳۹۳ق، ج ۱۸، ص ۳۲۳)

در لسان فقها نیز به همان معنای لغوی بکار رفته است. به طور معمول در کتابهای فقهی پیرامون تجسس و ابعاد مختلف آن بحث مستقلی نشده و فقط بر اساس نهی ای که در سوره حجرات آمده، آنان نیز حکم به حرمت داده اند.

در روایات نیز معمولاً همان معنای لغوی منظور است، البته غالباً تجسس به معنای تفتیش و دخالت در اسرار و عورات مردم و گاهی نیز به معنای جاسوسی و خیانت به حکومت اسلامی به کار رفته است.

ج) کلمات مرتبط و مترادف با تجسس:

تجسس: معانی مذکور در خصوص تجسس، در واژه تجسس نیز کاربرد دارد، اما اقوال دیگر:

در تفسیر ابن کثیر آمده: تجسس، تلاش برای کسب خبر است به قصد فتنه انگیزی و تجسس به قصد خیر فحوص از خبر کردن است. (ابن کثیر، بی تا، ج ۴، ص ۲۱۴) این معنا را بزرگانی چون طبرسی، نیشابوری ثعالبی نیز پذیرفته اند.

به نظر می‌رسد این قول، قول برتر می‌باشد، چرا که در قرآن کریم نیز شواهدی بر اختیار این قول وجود دارد. در مورد «تجسس» در قرآن کریم از سوی حضرت یعقوب علیه السلام در خصوص یوسف علیه السلام امر به این کار شده که همین شاهد بر مدعاست. «يَا بَنِيَّ اذْهَبُوا فَتَحَسَّسُوا مِنْ يُوسُفَ وَأَخِيهِ وَلَا تَأْسُوا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِنَّهُ لَا يَأْسُ مِنَ رَوْحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ» (یوسف/ ۸۷) «ای فرزندان بروید و از حال یوسف و برادرش تحقیق کرده و جويا شوید و از رحمت خدا نومید مباشید که جز کافر هیچکس از رحمت خدا نومید نیست».

جاسوس: یکی دیگر از کلماتی که با تجسس مرتبط بوده و گاهی مفهوم تجسس را با این واژه مقایسه می‌کنند واژه «جاسوس» است. «الجاسوس... يتبع الاخبار و يفحص عن بواطن الامور» «جاسوس کسی است که در پی جست و جوی خبرها و کنکاش از امور است». (مقرئ فیومی، ج ۱، ص ۱۲۵)





حاسوس: از دیگر کلمات مرتبط است. «الحاسوس الذی یتحسس الاخبار مثل الجاسوس بالجیم او هو فی الخیر و فی الجیم فی الشر». «حاسوس، یعنی آنکه در جستجوی خبرهاست همانند جاسوس، یا آنکه در کسب خبر نیت خیر دارد، اما جاسوس نیت شر و فتنه». (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۲۸۳، و ج ۳، ص ۱۷۰)

واژه‌های دیگری چون؛ نطس، نهس، ترصد، اعر، تحسیب، تنصت، عین و سمع نیز از واژگان مرتبط هستند که در این مقال مجال بررسی نیست.

حریم خصوصی: از دیگر واژگان مرتبط با تجسس، واژه حریم خصوصی است.

در لغت: عرب برای حریم دو ریشه ذکر کرده اند:

الف: حرم: این ریشه را در کتابهای العین - المحيط - اقرب الموارد و برخی کتابهای دیگر به معنای اسم مکان به کار برده اند. به عنوان نمونه: حریم به قسمتی اطلاق می‌شود که مس و لمس آن تحریم شده و نباید به آن نزدیک شد. (فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۳، ص ۲۲۲)

ب: حرم: یعنی حرام بودن - ممنوع بودن. با توجه به این ریشه، یعنی محدودیت و ممنوعیت حیطه ای که بر فرد نیز حفظ آن حیطه و محدوده بسیار مهم است. (سروری مازندرانی ۱۳۸۲ش، ج ۶ ص ۱۲۳)

در اصطلاح: قطعه‌نامه‌ی ۱۹۷۰ شورای اروپا حریم خصوصی را چنین تعریف کرده است: «حریم خصوصی عبارت است از امور مربوط به زندگی خصوصی و خانوادگی و مسکن و تمامیت جسمی و روحی، آبرو، اعتبار و شهرت و حیثیت افراد، امتناع از اینکه چهره‌ای کاذب از شخص ساخته شود، عدم افشاء وقایع و حقایق نامربوط و آزار دهنده، عدم افشای غیر مجاز تصاویر خصوصی، حمایت از عدم افشای اطلاعاتی که اشخاص بر اثر اعتماد به دست آورده یا در اختیار آنها قرار گرفته است». بنا بر تعاریف ذکر شده مصادیق بارز و مهم حریم خصوصی عبارتند از: اطلاعات شخصی - جسم افراد - منازل و اماکن خصوصی - ارتباطات خصوصی و محل کار افراد.

حکم تجسس:

الف) حرمت: در فقه امامیه تحت عناوین و احکام مختلفی نسبت به مختصات خصوصی افراد حمایت‌هایی شده است، یکی از این عناوین، حرمت تجسس و تفتیش از اسرار و عورات و آنچه فرد آنها را می‌پوشاند است.

در اینجا بر اساس ادله‌ی اربعه احکام (کتاب - سنت - عقل و اجماع) از منظر فقه امامیه و فقه اهل سنت، به بررسی حکم تجسس از حریم خصوصی پرداخته شده است.

از منظر آیات: در مبحث تجسس و چگونگی آن در قرآن کریم به آیاتی شریف استناد شده و مفسران ضمن استفاده از کلام بزرگان دین به تبیین و تفسیر این آیات پرداخته‌اند و آن را از جهات مختلف مورد نظر قرار داده و موارد استفاده آن را روشن ساخته‌اند.

اولین آیه‌ای که در بحث تجسس حول آن بحث فراوانی شده است و نسبت به آیات دیگر در نهی از تجسس صریح می‌باشد آیه ۱۲ سوره مبارکه حجرات می‌باشد: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از بسیاری از گمان‌ها پرهیزید که پاره‌ای از آنها گناه است و تجسس مکنید...»

سیاق آیه شریفه بیان برخی از احکام اخلاق اجتماعی است که عبارت‌اند از:

۱ - اجتناب از سوء ظن در حق برادران دینی.

۲ - نهی از تجسس در اموال مردم.

۳ - نهی از غیبت. (... وَلَا يَغْتَب بَّعْضُكُم بَعْضًا...، و بعضی از شما غیبت بعضی نکند)

اصل و منشاء تجسس گمان و فکر بد در مورد موضوع مورد تجسس است، اگر گمان بد را از خود دور کنیم، اثرش آن است که در امور کسی هم به تجسس نمی‌پردازیم و عیوب او پوشیده می‌ماند. بر فرض وقوع سوء ظن، اگر به گمان‌های بد خود جامه عمل پوشانده، به دنبال عیوب پوشیده و پنهان اشخاص برویم، عیوب‌شان برای ما کشف می‌شود که همین کشف عیوب، که گناه اول است، باعث به وجود آمدن گناه دیگری می‌شود به نام «غیبت» که نتیجه این گناه اشاعه فحشاء و منکر است که می‌توان آن را معصیت سوم دانست که نتیجه سوء ظن است. این عمل در قرآن به شدت نهی شده است و گناه انجام این عمل نیز نه تنها کمتر از گناه تجسس نیست بلکه به مراتب بدتر و





شدیدتر می‌باشد. پس در تجسس فقط عمل تجسس نیست که نافرمانی از امر خداوند است بلکه به دنبال آن معصیت غیبت و اشاعه فحشا نیز صورت می‌گیرد.

برخی گفته اند: حکم مورد نظر «تجسس از حریم دیگران» است و ظهور آیه شریفه این گونه است که حکم «تجسس» حرام است چرا که نهی در آیه ظهور در حرمت دارد (حلی، ۱۴۰۶ق، ص ۱۱۶) به رغم اطلاق آیه، برخی مفسران، اموری چون قصد آگاهی از معایب و افشاگری را از شرایط تجسس ممنوع شمرده (طباطبایی، ۱۳۹۳ق، ج ۱۸، ص ۳۲۵) و بعضی دیگر با توجه به مفهوم مخالف آیه بر این باورند که مومنان در روابط اجتماعی و ارزیابی دیگران باید بر اساس ظواهر، نه تجسس و آگاهی جستن از آنچه دور از چشم دیگران است، رفتار نمایند.

برخی از قراء آیه شریفه را «لا تحسسوا» (با حاء مهمله) خوانده اند.

چنانچه گذشت در معنای «تحسس» و «تجسس» بین علما اختلاف وجود دارد. ابوالفتح رازی در تفسیر آیه ۱۲ حجرات می‌نویسد: عامه، «ولاتجسسوا» را با جیم قرائت نموده اند. (رازی، ۱۳۸۲ش، ج ۱۸، ص ۳۲) عبدالله بن عباس و ابورجاء العطارُدی، «ولاتحسسوا» با حاء خواندند و گروه دیگری مانند اخفش گفته: معنای «تجسسوا» و «تحسسوا» یکی است و فرقی نمی‌کند که چگونه قراءت شود. به هر حال سوالی که مطرح است این است که منظور از نهی تجسس در آیه شریفه چیست؟ و مخاطب آیه چه کسانی هستند؟ و از چه کسانی نباید تجسس کرد؟

طباطبایی (۱۳۹۳ق) تجسس را به معنای پی‌گیری و تفحص از اموری می‌داند که مردم عنایت دارند پنهان بماند و فردی آنها را پی‌گیری می‌کند تا خبردار شود. (ج ۱۸، ص ۴۸۴) ایشان در ادامه، دلیل حرمت تجسس را همان دلیل حرمت غیبت دانسته است: «همان تعلیلی که در جمله «أَيُّحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتاً فَكَرِهْتُمُوهُ» برای حرمت غیبت آمده - که در آیه ۱۲ سوره حجرات آمده، تعلیل برای حرمت تجسس نیز هست، چون فرق غیبت با تجسس تنها این است که غیبت اظهار عیب مسلمانی است برای دیگران - چه اینکه عیبش را خود ما دیده باشیم و چه اینکه از کسی شنیده باشیم - و تجسس عبارت است از اینکه به وسیله ای علم و آگاهی به عیب او پیدا کنیم. (این وسیله می‌تواند گوش و چشم و یا وسایل ارتباطی امروز باشد) ولی در اینکه هر

دو عیب جویی است مشترکند و به همین جهت بعید نیست که جمله «أُحِبُّ أُوْدُكُمُ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا» تعلیل باشد برای هر دو جمله یعنی هم جمله «لَا تَجَسَّسُوا» و هم جمله «لَا يَغْتَبِ بَعْضُكُم بَعْضًا». با این تفسیر می‌توان گفت کسی که در امور پنهان مردم تجسس می‌کند همچون فرد غیبت کننده گویا گوشت برادر مرده خود را می‌خورد و این شدت نهی در غیبت شامل تجسس نیز می‌شود که بسیار قابل تأمل است. (طباطبایی، ۱۳۹۳ق، ج ۱۸، صص ۴۸۴-۴۸۶)

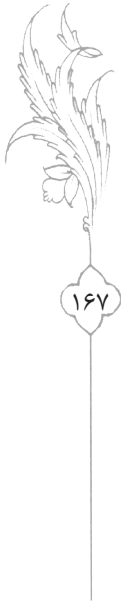
طبرسی نهی از تجسس را ناظر به عیوب مسلمانان تفسیر کرده است و ایشان آیه را معنا می‌کند که «به دنبال عیوب مسلمانان نگردید و در این مقام بر نیایید که اموری را که صاحبانشان می‌خواهند پوشیده بماند تو آنها را فاش کنید». (طبرسی، ۱۴۰۶ق، ج ۹، ص ۱۳۷) نصر بن محمد می‌گوید: «لَا تَجَسَّسُوا» یعنی از عیوب برادران دینی خود بحث نکنید؛ ابن ابی حاتم (۱۴۱۹) نیز به پیروی از ابن عباس مراد از تجسس را به معنای بحث از عیوب مسلمین و کشف آنچه می‌پوشانند و اطلاع از اسرار مسلمین می‌داند. (سمرقندی، بی تا، ج ۳، ص ۳۲۸)

قرطبی می‌گوید: مسلمانان از بد گمانی که سبب تجسس و دنبال کردن لغزش‌های یک مسلمان می‌شود منع شده‌اند.

قرطبی بر این باور است که: در معنای آیه رفتار ظاهری افراد را ملاک برداشت خود قرار دهید و در جستجوی کاستی‌های مسلمانان نباشید، یعنی هیچ کس به دنبال عیب برادر دینی خود نباشد تا از آن آگاهی یابد، چرا که خداوند آن را پوشانیده است. (انصاری قرطبی، ۱۳۶۴ق، ج ۱۶، ص ۳۳۱)

یکی دیگر از آیاتی که در این بحث جایگاه ویژه و با اهمیتی دارد آیه شریفه ۱۹ از سوره النور می‌باشد:

«به درستی آنانکه دوست دارند فاحشه (کارهای زشت و مذموم) در میان اهل ایمان رایج شود، برایشان عذاب دردناکی است». اگرچه آیه شریفه تصریح به حرمت تجسس ندارد اما به‌طور کلی شایع کردن فحشا را، که نتیجه جاسوسی و تفتیش می‌باشد تحریم می‌کند و اگر قائل به حرمت مقدمه حرام باشیم می‌توان گفت از آیه شریفه هم حرمت





جاسوسی در عیوب مسلمین فهمیده می‌شود. با این استدلال اگر جاسوسی و تجسس مصداق و مقدمه اشاعه فحشا نگردد نمی‌توان به واسطه این آیه حکم به حرمت آن نمود. مثلاً در جایی که دولت اسلامی برای مصلحتی بزرگ برای جلوگیری از اشاعه فحشاء مجبور به جاسوسی حال افراد گردد، جاسوسی مذکور مصداق این آیه شریفه نخواهد بود.

از دیگر آیاتی که در باب تحریم جاسوسی می‌توان از آن استفاده نمود، آیه شریفه ۱۸۹ سوره بقره می‌باشد:

«کار نیک آن نیست که از پشت خانه‌ها وارد شوید بلکه نیکی این است که پرهیزگار باشید و از در خانه‌ها وارد شوید و تقوا پیشه کنید تا رستگار شوید».

اگر چه در این آیه شریفه آن گونه که از آیه اول استفاده می‌شد صریحاً حکم به حرمت جاسوسی و تجسس نشده است، اما با قدری تأمل و استناد به آیه شریفه نیز قدر متیقن می‌توان اثبات کرد که جاسوسی مذموم و مکروه می‌باشد، چه آنکه خداوند متعال در این آیه شریفه یکی از راه‌هایی را که منتهی به اشاعه فحشاء و برملاشدن عیوب دیگران می‌گردد، تقبیح کرده و داخل در اعمال نیک نمی‌شمارد و آن راه داخل شدن به خانه‌های دیگران و از غیر طریق معمول آن می‌باشد. بر این اساس می‌توان از مدلول آیه شریفه به طریق اولی دریافت که تجسس و جاسوسی عمل مذموم و مشئومی می‌باشد.

آیات شریفه دیگری که می‌توان برای دریافت حکم اولیه جاسوسی و تجسس در اسلام به آن استناد نمود، آیات ۲۷ و ۲۸ سوره مبارکه نور می‌باشد: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید در خانه‌هایی غیر از خانه خود وارد نشوید تا اجازه بگیرید و بر اهل آن خانه سلام کنید، این برای شما بهتر است شاید که متذکر شوید».

«و اگر کسی را در آنجا نیافتید داخل آن نشوید تا به شما اجازه داده شود و اگر گفته شود باز گردید، باز گردید که برای شما بهتر است و خداوند به آنچه انجام می‌دهید آگاه است».

این دو آیه شریفه نیز تصریح به حرمت جاسوسی و تجسس ندارد اما در آن‌ها صریحاً از برخی لوازم جاسوسی، یعنی دخول به خانه دیگران بدون استیذان صاحبان آنها نهی

شده است و چنانکه در علم اصول فقه به اثبات رسیده است نهی ظهور در تحریم دارد پس با توجه به حرمت دخول در منازل دیگران بدون اذن آنها به طریق اولی می‌توان حکم به حرمت جاسوسی و تجسس از منازل، عیوب و اعمال دیگران کرد.

آیه شریفه‌ی دیگری که برخی از فقها حکم اولیه جاسوسی و تجسس را از آن استنباط نموده‌اند آیه شریفه ۹۴ سوره مبارکه نساء می‌باشد. «ای کسانی که ایمان آورده‌اید زمانی که در راه خدا سفر می‌کنید خوب رسیدگی کرده و به کسی که نزد شما اظهار اسلام می‌کند مگویید تو مؤمن نیستی تا بدین بهانه مطاع زندگی دنیا را بجوید چرا که غنیمت‌های فراوان نزد خداست قبلاً نیز همین‌گونه بودید و خدا بر شما منت نهاد پس خوب رسیدگی کنید که خدا همواره به آنچه انجام می‌دهید آگاه است». براساس مفهوم موافق آیه شریفه و به طریق اولی نهی از جاسوسی از احوال افراد را می‌توان استنباط کرد، چه آنکه آیه شریفه نهی اخذ به خلاف ظاهر حال دیگران نموده و این مسئله دلالت بر این دارد که اهل ایمان مکلف و موظفند به ظاهر حال دیگران قناعت و اکتفا نموده و به دنبال دبر و کنه عمل، قول، فعل دیگران و جاسوسی از احوال آنها نباشند. نتیجه اینکه با توجه به مقتضای آیات، تجسس از حریم دیگران - مطلقاً (اعم از مومن یا کافر) - از منظر قرآن به طور مطلق جایز نمی‌باشد و خروج هر مصداقی محتاج دلیل خاص می‌باشد.

از منظر روایات:

یکی از ادله‌ی احکام در فقه مذاهب اسلامی، روایات است که البته شیوه‌ی استفاده از روایت بین شیعه و دیگر مذاهب متفاوت است، شیعه فقط روایات از پیامبر و اهل بیت علیهم‌السلام را با معیار خاص می‌پذیرد ولی اهل سنت روایات از صحابه و تابعین را نیز حجت می‌داند.

تجسس از منظر پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم

۱ - قرطبی ذیل آیه ۱۲ سوره مبارکه الحجرات به نقل از آن حضرت صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم آورده: «از بدگمانی نسبت به دیگران پرهیزید، چون آن سخن که بر پایه سوء ظن و گمان بد گفته می‌شود، دروغ‌ترین سخن است. در کارهای علنی و مخفی (به نیت خیر یا شر) دیگران جستجو نکنید و کنجکاو نشوید و درباره همدیگر افشاگری نکنید و نیز مبادا نسبت به



همدیگر کینه و حسد داشته باشید، یا پشت سر هم حرف بزنید، بلکه بندگان خدا باشید و نسبت به همدیگر با برادری رفتار کنید». (ابن حنبل، ۱۴۱۲، ج ۲، ص ۴۷۰) بیان روایت از امور تربیتی، اجتماعی است که با آبروی افراد جامعه رابطه مستقیم دارد، مورد نهی حضرت ﷺ «لا تحسسوا و لا تجسسوا» قرار گرفته است. اگر ما تحسس را در کارهای دیگران به نیت خیر نیز بدانیم باز از آن نهی شده ایم چه بسا که جاسوسی در زندگی دیگران هرچند با قصد و غرض خیر، منجر به کشف زشتیهای او شده و باعث آبروریزی شود.

۲ - مجلسی از رسول الله ﷺ روایتی طولانی در صفات مؤمن نقل می‌کند که به بیان چگونگی کمال ایمان می‌پردازد: «... در کاری که به او مربوط نمی‌شود وارد نشود... و کشف اسرار مردم نکند... بر هر مسلمان و مؤمنی لازم است که هر روز که از عمر وی می‌گذرد در کمال علم و ایمان و علم خویش تلاش کند». (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۲، ص ۴۴۴) در این بیان شریف حضرت شرط کمال ایمان را عدم تجسس و جستجو در امور دیگران و آنچه که مربوط به آنها نیست دانسته است و شرط کردند کسی که در کار دیگران به جستجو و تجسس می‌پردازد ایمانش کامل نیست. زیرا چنین افرادی که خود را مشغول به عیوب دیگران کرده‌اند از خود و عملکرد خود غافل اند.

۳ - رسول خدا ﷺ در ضمن بیان نکات اخلاقی به علی علیه السلام فرمودند: «هشت گروه در جامعه اگر مورد اهانت قرار گرفتند احدی غیر خودشان را سرزنش نکنند... کسی که بخواهد از سرِ بین دو نفر سر در آورد...» در قسم پنجم حضرت ضمن منع از تجسس در اسرار دو نفر هر گونه عکس‌العملی را که از این کار به وجود آید، متوجه فرد تجسس کننده دانسته است و در ضمن کلام حضرت اینگونه برداشت می‌شود که حداقل واکنش تجسس در امور دیگران ملامت و سرزنش است. و افرادی دارای خصلت تجسس در جامعه دارای احترام نیستند و مردم نیز به خود اجازه توهین به مطلع را می‌دهند. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۲، ص ۴۴۴)

۴ - صدوق در ثواب الاعمال و عقاب الاعمال حدیثی مفصل را می‌آورد که قسمتی از آن مفید نهی است. پیامبر اکرم ﷺ از اینکه کسی به دنبال اطلاع از خانه همسایه خود باشد نهی فرمودند: «هر کس عمداً به زشتی‌ها و عورت برادر مسلمان خود یا غیر از

اهل و عیال خود بنگرد، خداوند متعال او را به همراه منافقان در آتش دوزخ وارد نماید. همانها که در دنیا پیوسته در پی عیوب مردمان بوده اند». (ابن بابویه القمی، ۱۴۰۶ق، ص ۲۹۸) حضرت ﷺ به اینگونه افراد وعده عذاب همچون منافقان نیز داده است و از آنجا که به گناهان کبیره وعده عذاب داده شده است. پس تجسس قطعاً از گناهان کبیره است. بر اساس قول اکثر اصولیین استفاده آن حضرت ﷺ از ماده نهی، که اطلاع از منازل غیر را نهی فرمودند؛ این نهی ظهور در حرمت دارد.

۵ - صدوق از ابن عباس آورده؛ رسول خدا ﷺ در آخرین خطبه ای که در مدینه ایراد نمود، فرمود: «هرکس در راه جستجوی عیوب و کشف لغزش‌های برادرش گام نهد، پای در آتش دوزخ گذارده و خداوند عیوب او را بر همگان آشکار خواهد کرد. خداوند (تبارک و تعالی) در اینجا خود رویاروی با جاسوس قرار گرفته است و وعید داده است که اگر آبروی دیگران را بریزد آبرویتان را خواهم ریخت». با توجه به شدت و غلظت وعده داده شده در این حدیث مبارک به اهمیت موضوع پی برده می‌شود. (ابن بابویه القمی، ۱۴۰۶ق، ص ۲۹۸)

تجسس از منظر امامان معصوم علیهم‌السلام

یکی از وظایف متولیان جامعه حفظ جان و آبروی مردم است، ائمه اطهار علیهم‌السلام نیز به عنوان نگهبانان حریم عقیدتی و اجتماعی مردم از جانب خدای متعال هم چون نبی مکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وآلهم‌وسلم در صدد ساختن دژی مستحکم می‌باشند تا در پس این دیوار بلند مردم در آسایش و امن زندگی کنند. ایشان علیهم‌السلام نیز در این موضوع بسیار زیبا در پرتو آیات قرآنی و کلام نورانی رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وآلهم‌وسلم به تبیین موضوع پرداخته‌اند. روایات بسیاری با مضمون عدم جواز و یا کراهت و مذموم بودن تجسس و تطلع از منازل غیر و جواز زجر حتی در صورت عدم انصراف آسیب رساندن به تجسس کننده، در مجامع حدیثی وارد شده است. علاوه بر اینها در برخی از روایات به مباح بودن آسیب رساندن به چشم یا حتی قتل متطلع اشاره شده است که در صورت قائل بودن به اینکه منشأ احکام وضعیه، احکام تکلیفیه اند، می‌توان حرمت تطلع و تجسس را از طریق این روایات نیز استفاده نمود.



تعداد و اهمیت این روایات تا حدی است که مجلسی در جلد ۷۶ بحار الانوار بابتی را تحت عنوان «التطلع فی الدور» و «تتبع عیوب الناس افشائها» گشوده و احادیث مربوط به احکام آن را احصاء کرده است. کلینی نیز باب «من طلب عثرات المؤمنین و عوراتهم» را در جلد دوم کتاب شریف اصول کافی گشوده است. همچنین شیخ حر عاملی در جلد ۱۲ وسائل الشیعه باب «تحریم احصاء عثرات المؤمن» را باز کرده است. محقق نوری نیز در کتاب مستدرک الوسائل بابتی را به این مسأله و احکام و نحوه زجر و ردع کسی که به حریم منزل غیر، سرک می‌کشد گشوده است.

نتیجه اینکه بر اساس احادیث وارده در مقام نهی و تقبیح تطلع (اطلاع یافتن) از حریم خصوصی غیر، احدی حق ندارد از حریم دیگران سرکشی، تجسس و تطلع نماید و در صورت تجسس صاحب حریم حق زجر و در صورت اصرار حق آسیب زدن به او را دارد.

برای نمونه تعدادی از روایات را ذکر میکنیم:

۱ - امیرالمومنین علیه السلام در نامه ای به مالک اشتر می‌فرماید: «و باید از رعیت کسی را بیش از همه دور و دشمن داشته باشی که به گفتن عیوب مردم اصرار دارد؛..... پس درباره آنچه از زشتیهای مردم که بر تو پوشیده است کنجکاو می‌کن و.....». (نهج البلاغه، نامه ۵۳) در این نامه، حضرت علیه السلام مالک را از کنجکاوای درباره عیوب مردم منع نموده و حتی از نزدیک شدن و دوستی با کسانی که تجسس میکنند و عیوب مردم را بیان میکنند بر حذر میدارد؛ و بر مبنای علمای علم اصول: «النهی یدل علی الحرمة» نهی دلالت بر حرمت دارد.

۲ - امام صادق علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل فرمودند که: «ای گروهی که به زبان اسلام آورده اید و ایمان در قلب شما جای نگرفته! از مسلمانان بدگویی مکنید و در جستجوی عیب‌های آنان نباشید (تجسس نکنید) چرا که هر کس در پی عیوب مردم بر آید خداوند در جستجوی عیب او خواهد بود و آنکه خدا با او چنین کند، رسوایش خواهد ساخت هر چند درون خانه اش باشد». (کلینی، بی تا، ج ۲، ص ۳۴۵) این حدیث با اطلاقی که دارد بر حرمت جستجوی عیوب دلالت دارد و به صراحت حرمت تتبع از خفای مردم را بیان می‌دارد و صیغه نهی نیز استفاده حرمت می‌شود بنابراین حدیث، تجسس به طور مطلق از احوال مسلمانان چه مؤمن چه غیر مؤمن ممنوع است.

۳- در حدیثی دیگر تتبع از عورات مؤمنین ممنوع شده است؛ از امام علیه السلام پرسیده شد: «آیا عورت مؤمن بر مؤمن حرام است؟ فرمود: آری گفتم: مراد شما قُبُل و دُبُر اوست؟ فرمود: نه آنچنان است که تو تصور کردی، بلکه همانا مراد افشاء سر اوست». (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۵ ص ۲۱۴)؛ (فیض کاشانی، ۱۳۶۵ش، ج ۱ ص ۲۶۳)

نگاه به عورت دیگران طبق ادله حرام است و ممنوع می باشد و موجب کفاره است. همانطور که مردم با پوشاندن لباس عورت خود را می پوشانند و این عمل به معنای اعلام است که دیگران حق نگاه به عورت او را ندارند. انجام گناه در خفاء نیز به این معناست، لذا کسی حق تجسس در حریم خصوصی دیگران را ندارد تا انجام گناه دیگران آشکار شود و سبب فضاحت صاحب گناه گردد زیرا او گناه خود را مانند عورت خود پوشانده است. لذا بر اساس این روایات تجسس از اسرار، عیوب و خطاهای مردم حرام شده است. البته از این روایت روشن می شود که متجاهر به فسق نیز مانند کسی است که در جامعه برهنه ظاهر می شود و خویش باعث آبرو ریزی خود می شود.

این حدیث شریف افشا کردن اسرار مردم و باز گو نمودن مطالبی را که مردم نمیخواهند کسی بداند، تحریم می کند، خواه خود با تجسس کردن از اسرار مردم و با تفتیش نمودن مطلع شود و یا اسراری که بدون تجسس مطلع شده و یا مؤمنی او را امین اسرار خود قرار داده، افشا نموده و به دیگران بگوید، بالاخره تجسس از اسرار مردم - که مانند نگاه کردن به عورت او حساب شده - و همچنین افشای سر او مشمول این حدیث شریف و محکوم به حکم حرمت است.

۴ - امام باقر علیه السلام فرموده: «تجسس، زشتی های مؤمن بر مؤمن حرام است» نیز ایشان علیه السلام فرموده: «هر کس تجسس و تطلع از منازل مؤمن کند، آسیب زدن به چشم او برای صاحب منزل در حال تجسس مباح است (و او ضامن نیست)». (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۴ ص ۱۰۴)

۵ - امام صادق علیه السلام از رسول الله صلی الله علیه و آله نقل فرموده: «سه چیز نشانه نادانی است: الف) تغییر دادن دوستان (یعنی دوستی که دارد را بدون جهت ترک نموده و به جای او با کس دیگر دوست شود؛ زیرا عقل می گوید تا می توانی دوستان خود را زیاد کن و دوست موجود را از دست نده) ب) جدا شدن و کناره گیری (از دوستان) بدون بازگو کردن





سبب آن (زیرا اگر علت آن را بیان کند شاید طرف رفع ناراحتی کند، یا شاید این شخص اشتباهها سوء ظن پیدا کرده است و با بیان علت رفع شبهه شود) ج) تجسس از چیزی که مورد احتیاج و غرض عقلایی است». (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۸ ص ۲۳۰) این روایت از یک حکم ارشادی (نه تکلیفی) حکایت می‌کند، زیرا عوض کردن دوستان، جدایی بدون اعلام کردن و تجسس در امور بی فایده حرام نیست.

۶ - امام صادق علیه السلام فرمود: «سه گروه هستند که روز قیامت معذبند.... کسی که به سخنان قومی گوش میکند و آنان از گوش دادن او خوششان نیامده و ناراضی هستند». (عروسی حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۵ ص ۹۳) وعده صریح به عذاب قطعا دلالت بر حرمت دارد. فقها از این حدیث حرمت سه مورد را استفاده کرده اند؛ زیرا وعید و تهدید در روایت کاشف از حرمت این سه فعل می‌باشد، فقها نیز همین حرمت را استفاده کرده اند. (منتظری، ۱۴۱۵ق، ج ۳، ص ۵۷۵) از مجموع این روایات به دست می‌آید هر خبری که باعث خواری و تحقیر یک مؤمن بشود، مصداق اشاعه فحشا است، هر چند نقل کننده چنین قصدی نداشته باشد و چنین فعلی حرام و ممنوع می‌باشد.

در نتیجه از توجه به روایات مذکور، حرمت تجسس به طور مطلق به دست می‌آید، چه تجسس به اغراض سوء و چه به اغراض نیک و خیر باشد؛ البته موارد استثناء با ادله ثابت است که در جای خود بدان اشاره خواهد شد.

از منظر عقل:

عقل انسان هرج و مرج و فساد اجتماعی و نا امنی و شیوع فحشا و ظلم و منکرات را تقبیح کرده و مبارزه با اخلال در نظام زندگی مردم و رفع آنرا اساس کار خود می‌داند یکی از اموری که انجام آن باعث هرج و مرج و نا امنی در جامعه شده و باعث به هم ریختگی امنیت زندگی مردم می‌شود تجسس از عورات و اسرار مردم است. با مراجعه به عقل سلیم، ارتکاز اولیه در ذهن عرف و متشرعه تجسس را از اخلاق و سجایای مذمومه می‌دانند و هر عقلی می‌پذیرد که در جامعه وجود این صفت باعث نا امنی اخلاقی و روانی و در نهایت آبرو ریزی می‌شود.

شیخ انصاری در ادعای حرمت تجسس علاوه بر دلیل نقلی، دلیل عقلی را نیز در

حرمت تجسس اقامه می‌کنند و اینکه عقل پخش عیوب مردم را ممنوع می‌داند. ایشان بیان می‌دارد: «تردید از جانب عقل و نقل نیست که پخش و افشای آنچه که سبب خواری مؤمنان و از دست دادن حیثیت اجتماعی آنان می‌شود حرام است و عقلا در این موضوع نیز اتفاق دارند که تجسس در احوال هر فردی که در صدد مخفی کردن آن است سبب از دست دادن جایگاه اجتماعی آن می‌شود». (مهریزی، ۱۳۷۸ ش، به نقل از کتاب المکاسب ج ۳ ص ۳۴۵)

راکان دمغی، علاوه بر ادعای اجماع در حرمت تجسس در نزد علما مدعی است که به دلایل عقلی نیز ثابت است که احدی حق تجسس از عورات مسلمین را علاوه بر دلایل نقلی ندارد در ادامه به نقل از غزالی نیز مدعی است که در نزد ایشان نیز تمسک به دلایل عقلی در حرمت تجسس نیز ثابت است. (الدمغی، ۱۴۰۶ ق، ص ۱۳۲)؛ (غزالی، بی تا، ج ۲ ص ۳۴۰)

از منظر اجماع:

با توجه به آیات و روایاتی که قبلاً بیان شد، نیز نظرات فقهای امامیه و اهل سنت، اصل اولی در تجسس حرمت است و این حرمت نیز اجماعی است یعنی همه مسلمانان آن را حرام می‌دانند. (انصاری، ۱۳۸۷ ش، ج ۸، ص ۲۵)

فقهای امامیه اجماع بر حرمت تجسس دارند، فاضل جواد در کتاب «مسالک الافهام الی الآیات الاحکام» به این مطلب اذعان دارد. البته این اجماع، مدرکی و فاقد حجیت است. (کاظمی، بی تا، ج ۲ ص ۳۴۸)

برخی از این هم بالاتر گفته و قائل به اجماع مسلمین بر حرمت تجسس هستند و این مسأله یعنی حرمت تجسس را از بدیهیات دین می‌دانند. (نجفی، ۱۴۰۴ ق، ج ۲ ص ۳۴۸) میانجی نیز می‌گوید: حرمت تجسس اجماعی است یعنی همه مسلمانان آن را حرام می‌دانند. (احمدی میانجی، ۱۳۸۴ ش، ص ۱۲۹) در تفسیر الکاشف نیز بر حرمت تجسس به دلیل قرآن و سنت و اجماع و عقل دلیل آورده است که فقها اجماع دارند اگر کسی که در حال تجسس است اگر چشم او آسیب دید بر جان او حرجی نیست. (مغویه، ۱۹۷۰ م، ص ۱۲۰)





فقها متفق هستند که اگر کسی بخواهد از اسرار مسلمین که بر او حرام است آگاه شود باید او را منع کنند. چون این منع دفاع از عرض است؛ ولی اگر اصرار بر این تجسس داشت می‌توانند او را با سنگ رمی کنند یا با چوب یا با چیز دیگری بزنند. در این صورت هرگونه جنایت و خسارت جانی و مالی موجب ضمان نیست و جنایت بر تجسس هدر است. (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۴۱، ص ۶۶۰)

عاملی نیز در کتاب دائرة المعارف بر حرمت تجسس ادعای اجماع کرده است. (دعמוש عاملی، ۱۳۸۲ش، ج ۱، ص ۱۱)

غزالی نیز در احیاء العلوم بر حرمت تجسس ادعای اجماع کرده. (غزالی، بی تا، ج ۲، ص ۳۳۸)

اجماع از ادله لبی است و در فرض شک باید به مقدار متیقن آن تمسک نمود برای مثال اگر شک کنیم که آیا حرمت به نحو اطلاق شامل تمام افراد بشر می‌شود یا صرفاً نسبت به مسلمانان حرام است، قدر متیقن حرمت آن نسبت به مسلمانان است. مثلاً اگر مبنای اصلی حرمت تجسس، اجماع باشد و شک کند که آیا تجسس مغیا به اغراض نیک نیز حرام است یا خیر، باید به قدر متیقن یعنی حرمت تجسس مغیا به مقاصد شر تمسک نمود. البته با وجود مدارک اجماع نوبت به این مباحث نمی‌رسد و این بحث ثمره ای ندارد.

ب: موارد جواز تجسس:

همان طور که اشاره شد، تجسس در زمینه اسرار مسلمانان و رفتن به دنبال عیبهای آنان حرام است و علمای اسلام نیز بر حرمت آن تصریح کرده‌اند. سؤال: آیا تجسس در همه موارد آن حرام است و یا مانند بعضی از محرمات دیگر، استثنا دارد؟

پاسخ: سؤال فوق با بیان دو مطلب زیر روشن می‌شود:

۱. در بیشتر روایات مربوط به تجسس، روی دو قید ایمان و اخوت تکیه شده و به دخالت این دو، در حرام بودن تجسس اشاره دارد. بنابراین، کسانی که برضد اسلام و ایمان، علم مخالفت برداشته و یا بین مسلمانان فتنه‌انگیزی می‌کنند، از این اصل مستثنا

بوده و تجسس در امور آنان جایز است.

۲. به مقتضای قاعده اهمّ و مهمّ، در معارضه دو مصلحت، همیشه مصلحت اهمّ، مقدّم بر مهمّ می‌شود، از این رو، در جایی که امر بین تجسس حرام و حفظ نظام و یا ممانعت از هرج و مرج دایر شود، حفظ نظام که اهمّ واجبات است بر حفظ حرمت دیگران مقدم می‌شود و با توجه به این اصل، تجسس برای روشن شدن حقایق، کشف خیانت، شناسایی کارشکنان و منافقان، آگاهی از برخورد کارمندان با ارباب رجوع، پذیرش و استخدام کارمندان دولتی و... جایز می‌شود.

نتیجه بحث

در اسلام با هر عملی که جوّ جامعه را مسموم و آلوده کند و افراد را بی آبرو کند، با شدت مبارزه شده و از آن طرف به هر عملی که از تشنج آفرینی جلوگیری کند و فضای عمومی جامعه اسلامی را سالم نگه دارد و احترام افراد جامعه را حفظ کند، تمجید شده است. با بررسی ادله فریقین این نکته مسلم شده است که اصل اولی در تجسس حرمت است و کسی حق تجسس در حریم خصوصی دیگران را ندارد و دلایل از آیات و روایات، سیره عملی متشرعین، سیره عقلای مسلمین علاوه بر اینکه از حدت و شدت برخوردار است، افرادی را هم که در پنهان دیگران تجسس می‌کشند وعده عذاب داده است.

دستورهای مطرح شده در آیه‌های ۱۱ و ۱۲ سوره حجرات که نهی از سخریه، عیب جویی، القاب زشت، گمان بد، تجسس و غیبت می‌باشد، هر گاه به طور کامل در یک جامعه پیاده شود آبرو و حیثیت افراد جامعه را از هر نظر بیمه می‌کند، نه کسی می‌تواند به عنوان خود برتر بینی دیگران را وسیله تفریح و سخریه قرار دهد و نه می‌تواند زبان به عیب جویی این و آن بگشاید و نه با القاب زشت حرمت و شخصیت افراد را در هم بشکنند، حتی حق ندارد گمان بد ببرد و یا در زندگی خصوصی افراد به جستجو پردازد و یا عیب پنهانی آنها را برای دیگران فاش کند.

این حرمت و موارد استثنای آن در بین مذاهب مشترک بوده و امامیه و اهل سنت در اصل حرمت و در موارد استثنای آن ادعا و دلایل مشترک دارند، البته اندک تفاوتی در روش انجام تجسس در نظرات ایشان وجود دارد.



بنابراین اصل اولی در تجسس حرمت است هر چند با نیت و قصد خیر در امور دیگران باشد و فقهای امامیه و اهل سنت در حرمت تجسس و در دفع و زجر متطلع و عدم ضمان در صورت جنایت بر وی اجماع دارند.

پس تجسس در اسرار مردم حرام است و این حرمت مقید نیست ولی در مواردی که مصالح شخصی یا اجتماعی مقتضی تجسس باشد، در صورتی که این مصالح ورود به تجسس اهم از مصلحت حفظ آبرو و اسرار مردم باشد تجسس جایز بلکه گاهی واجب و مقتضای قانون تراحم این است.



منابع:

قرآن کریم

نهج البلاغه

ابن ابی حاتم، عبدالرحمن ابن محمد، ۱۴۱۹ق، تفسیر العظیم، عربستان سعودی، مکتبه نزار مصطفی الباز

ابن بابویه، محمد بن علی، ۱۴۰۶ق، من لا یحضره الفقیه، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین

ابن حنبل، احمد بن محمد، ۱۴۱۴ق، المسند، بیروت، دارالفکر

ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، بی تا، تفسیر القرآن العظیم (تفسیر ابن کثیر) بیروت، دارالمعرفه

ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۱۴ق، لسان العرب، بیروت، دارالفکر

ابن بابویه، محمد بن علی، ۱۴۰۰ق، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال (ترجمه علی اکبر غفاری)، تهران، کتابخانه صدوق

ابوالفتوح رازی، جمال الدین حسین بن علی، ۱۳۸۲ش، روض الجنان و روح الجنان (تفسیر رازی)، قم، دارالحديث

احمدی میانجی، علی، ۱۳۸۴ش، لزوم وزارت اطلاعات و حکومت اسلامی، تهران، نشر دادگستر

الدمغی، محمد راکان، ۱۴۰۶ق، التجسس و احکامه فی الشریعه الاسلامیه، مصر، دارالسلام

انصاری قرطبی، محمد ابن احمد، ۱۳۶۴ق، الجامع لاحکام القرآن، تهران، ناصر خسرو



انصاری، محمدعلی، ۱۳۸۷ ش، الموسوعه الفقهيہ الميسره، بی جا، مجمع الفكر الاسلامی
 بغوی، حسین ابن مسعود، بی تا، بیروت، داراحیاء التراث العربی
 بیهقی، ابی بکر، احمد بن الحسین بن علی، ۱۳۵۵ ق، السنن الکبری، حیدر آباد، دایره المعارف
 العثمانیہ

تفتازانی، سعدالدین مسعود، ۱۳۳۷ ش، کشف الاسرار و عدہ الابرار، تهران، دانشگاه تهران
 جوهری، اسماعیل بن حماد، ۱۴۱۰ ق، الصحاح، بیروت، دارالعلم للملایین
 حراعاملی، محمد بن حسن، ۱۴۰۹ ق، وسایل الشیعہ الی تحصیل مسایل الشریعہ، قم، موسسه آل
 البیت

حصاص، احمد بن علی، ۱۴۰۵ ق، احکام القرآن، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی
 حلّی، حسن بن یوسف، ۱۴۰۶ ق، مبادئ الوصول الی علم الاصول، بیروت، دارالاضواء
 دهموش عاملی، علی، ۱۳۸۲ ش، دایره المعارف اطلاعات و امنیت در آثار و متون اسلامی، تهران،
 دانشگاه امام حسین (علیه السلام)

سروری مازندرانی، محمد صالح، ۱۳۸۲ ش، شرح الکافی، تهران، المکتبه الاسلامیه
 سمرقندی، نصر بن محمد بن احمد، بی تا، بحر العلوم، بیروت، دارالمعرفه
 شرتونی، سعید خوری، ۱۴۰۳ ق، اقرب الموارد، قم، منشورات مکتبه آیت الله مرعشی نجفی
 صبحی صالح، بی تا، شرح نهج البلاغه، قم، دارالهجره
 طباطبائی، محمدحسین، ۱۳۹۳ ق، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات
 طبرسی، فضل بن حسن، ۱۴۰۶ ق، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، قم، انتشارات اسماعیلیان
 طیبالیسی، سلیمان، ۱۴۲۵ ق، مسند ابی داوود الطیبالیسی، بیروت، دارالکتب العلمیه
 عروسی جوزی، عبدالعلی بن جمعه، ۱۴۱۵ ق، تفسیر نورالثقلین، قم، المطبعه العلمیه
 غزالی، ابو حامد محمد، بی تا، احیاء علوم الدین، بیروت، دارالمعرفه
 فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۱۰ ق، العین، قم، نشر هجرت

فیض کاشانی، محمد بن محسن، ۱۳۶۵ ش، الوافی، قم، مکتبه امیر المومنین
 کاظمی، جواد، بی تا، مسالک الافهام الی آیات الاحکام، بیروت، دار احیاء التراث العربی
 کلینی رازی، ابی جعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق، اصول کافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه
 گارو، رنه، بی تا، مطالعات نظری و عملی در حقوق جزا، تهران، انتشارات ابن سینا
 مجلسی، محمد باقر، ۱۴۰۳ ق، بحار الانوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی

محقق، محمد باقر، بی تا، دایره المعارف در فرهنگ قرآن، تهران، بعثت
 مغنیه، محمد جواد، ۱۹۷۰م، التفسیر الکاشف، بیروت، دارالعلم
 مقری فیومی، احمد بن محمد، ۱۴۰۵ق، بی جا، دارالهجره
 منتظری، حسینعلی، ۱۴۱۵ق، دراسات فی المكاسب المحرمه، قم، نشر تفکر
 مهریزی، مهدی، ۱۳۷۸ش، مجله حکومت اسلامی سال چهارم شماره دوم، قم، دبیرخانه خبرگان
 رهبری
 نجفی، محمد حسن، ۱۴۰۴ق، جواهرالکلام فی شرح شرایع الاسلام، بیروت، دار احیاء التراث العربی
 ولیدی، محمد صالح، ۳۵۷ش، حقوق جزای اختصاصی، تهران، انتشارات امیرکبیر



